

وفای به عہد



محمد تقی صرفی پور

قرآن کریم رو به همه مسلمانان چنین فرمان می دهد:
سوره مائده، آیه («يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»
1) ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها و
قراردادها (یتان) وفا کنید

این یک دستور العمل کاملا وسیع و بدون قید و شرط
است که شامل تمامی قول و قرارها و پیمانها می شود.
بنابراین چه پیمان هایی که میان انسان و خداوند برقرار
می شود و چه قول و قرارهایی که بین افراد مختلف
انسان ها بسته می شود، لازم الاجرا است



یکی از صفات بسیار مهم اخلاق اسلامی، وفای به قول و
قرارها و عهد و پیمان هاست.

مردمی که خوش قولند. مردمی که به حرفشان عمل می
کنند حتما افراد موفق خواهند بود.

زیان های پیمان شکنی

اگر روزی عمل نیک وفای به عهد در انسان کم رنگ
شود، ضربه شکننده ای بر شخصیت او وارد می گردد.
چنین فردی در هر عرصه و صحنه ای که پا بگذارد، جز
بی اعتمادی و بی توجهی چیز دیگری باقی نخواهد

گذاشت و در همه جا انگشت نما خواهد شد. علاوه بر این، انسانی که عهد و پیمانش را می شکند، اعتماد را در اجتماع کاهش می دهد و در نتیجه، زندگی را بر دیگران سخت و دشوار می کند. همچنین فعالیت های انسانی دچار خلل می گردد و امرار معاش، پیشرفت صنعت و... تحت تأثیر قرار می گیرد و جامعه دچار از هم گسیختگی و بی ثباتی می شود. حضرت علی(ع) به مالک اشتر می فرماید: (در آنچه به عهد گرفته ای، خیانت نکن و به عهد خود وفا کن). 12 در فرازی دیگر می فرماید: (از این که به آنها وعده دهی و سپس تخلف کنی، بر حذر باش... خلف وعده، موجب خشم خدا و خلق است). 13

شهید مطهری می فرماید: (فردی که هیچ گاه پای بند به وفای به عهد و پیمان خود نیست و هر وقت که پیمانی می بندد دسیسه و دغل بازی است و تصمیمش این است که آن را نقض کند، از انسانیت و آن چیز که آن را اشرف انسانیت می نامند، سقوط کرده و دیگر انسان نیست). 14

طرد شدن از طرف دیگران و عدم صلاحیت برای پایداری در روابط دوستی، از دیگر زیان های پیمان شکنی است. کسی که پیمان شکن است، دوست خوبی نمی تواند باشد. آن که امروز قولی می دهد و فردا آن را زیر پا می گذارد، امروز تعهد می کند با افراد بد رفت و آمد نکند و فردا خلاف آن را عمل می کند و خلاصه به هیچ یک از پیمان های خود پای بند نمی ماند، چگونه می تواند دوستی صمیمی و مورد اعتماد شناخته شود.

از دیگر زیان های پیمان شکنی، به اجابت نرسیدن دعاها می باشد. شاید انسان خود را بسان ماشینی فرض کند که سازنده یک مالک آن باید همواره نیازهایش را برآورد و تصور کند چون آفریننده او خداوند است، پس باید همواره او را کمک کند، بدون این که عهدهی بر گردن وی باشد؛ در حالی که چنین نیست، زیرا خداوند عهدهایی بر گردن بنده اش دارد که باید عملی شوند تا خداوند نیز پیمانش را وفا کند. امام صادق(ع) در پاسخ عده ای که از علت عدم استجابت دعا پرسیده بودند، فرمود: (به دلیل این که شما به عهدهای خود در پیشگاه

خداوند وفا نمی کنید، در حالی که خدای تعالی می فرماید: به عهد من وفا کنید تا من به عهد شما وفا کنم. به خدا قسم، اگر به عهد خدا وفا کنید. خدای متعال نیز به عهد شما وفا می کند. 15)

در حدیثی از حضرت علی(ع) آمده است که فرمود: (در جهنم شهری است به نام حصینه، آیا از من نمی پرسید در آن شهر چیست؟ کسی عرض کرد: ای امیر مؤمنان! در آن شهر چیست؟ فرمود: دست های پیمان شکنان. 16)

حضرت محمد(ص) می فرماید: (هر کس با امامی بی وفایی کرده و عهد شکنی نماید، روز قیامت آویخته لب وارد محشر می شود تا داخل آتش دوزخ گردد. 17)

هشام بن سالم گوید: از حضرت صادق(ع) شنیدم که می فرمود: (وعده مؤمن به برادر دینی خود نذری است که کفاره ندارد، پس هر که به آن وفا نکند، به مخالفتِ وعده با خدا برخاسته و خود را در غضب او انداخته است. این است گفتار خدای تعالی که می فرماید: ای کسانی که

ایمان آورده اید، چرا سخنانی می گوئید که به کارشان
نمی بندید؟ خداوند سخت به خشم می آید که چیزی
بگوئید و به جای نیاورید. (18)

:پی نوشت ها

.. فرهنگ فارسی عمید، واژه عهد 1

.. همان، واژه پیمان 2

.. اسلام صلح جهانی، ص 3264

.. همان 4

.. بقره (2) آیه 5100

.. آل عمران (3) آیه 676

.. رعد (13) آیه 720

.. مستدرک الوسائل، ج 2، ص 8626

.. وسائل الشیعه، ج 3، ص 9232

.. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، حدیث 109562

- محمد تقی فلسفی، کودک، ج 2، ص 17-18، با 11 اندکی تغییر

.. نهج البلاغه، نامه 1253

.. همان 13

.. آشنایی با قرآن، ج 3، ص 146-147

- فیض کاشانی، تفسیر صافی (چاپ قدیم، تهران) ص 15
54.

.. بحار الانوار، ج 67، ص 16186

- وسائل الشیعه، ج 6، ص 1752

.. اصول کافی، ج 4، ص 1868

اسامی خداوند نشان دهنده اهمیت وفای به عهد و صادق
بودن است

یا من فی عہدہ وفی

یا من ہو فی وفائہ قوی

یا من وعدہ صدق

یا موفی العہد

یا وافی

یا من قولہ حق

یا موفی من استوفاه

یا کثیر الوفا

یا من وعدہ صادق

یا صادقاً لا یتخلف

همچنین صفات اهل بیت: اوفی عہدکم. اصدق

وعدکم. قولکم حکم و حتم

خداوند سبحان و اهل بیت از کسی که وفادار باشد. به

عہدش عمل کند. عالم با عمل باشد راضیاند.

چرا اینقدر ابوالفضل ع محبوبیت دارد؟ چون وفادار
بود. به قولش عمل کرد.

ان مسئولی که به قولش عمل می کند محبوبیت پیدا می
کند.

عمل به وعده ها و خوش قولی انسان را به خدا نزدیک می
کند.

پیمان زناشویی از اون پیمان های مهم است که باید برسر
قول و قرارها ماند.

عده ای بودند گفتند الله خدای ما است و سر این عقیده
استقامت کردند اینها محبوب الهی هستند.

رزمندگان ما که وفادار به نظام بودند اینها اولیا
خدا هستند .

ملت ما که وفادار به امام و رهبری است محبوب الهی
است.

در دعای روز دوشنبه که امروز است می خوانیم

اللهم انی استغفرک لکل نذر نذرته و کل وعد وعده و
کل عهد عهده ثم لم اف به.

هر نذری که کردم ولی ادا نکردم خدایا استغفار. هر
عهدی و وعده ای که دادم و عمل نکردم خدایا معذرت
میخواهم.

ان العهد کان مسولا

یکی از مسائلی که در قیامت مورد بازخواست قرار می
گیرد عمل به قول و قرارهاست.

ایه شریفه، پایبندی به عهد و پیمان را یک وظیفه شرعی دانسته و در این زمینه تفاوتی بین اینکه مورد عهد چه باشد و شخصی که با او پیمان بسته میشود چه کسی باشد نمی گذارد. بنابر این هر عهد و پیمانی که بر خلاف احکام الهی بسته نشده باشد عمل به آن واجب بوده و پیمان شکنی و نقض عهد گناه محسوب میشود

انسانیت انسان به پایبندی به عهد و پیمان، و وفاداری و امانتداری اوست، و کمال آدمی به میزان کمالی است که در این امر بدان دست یافته است، چنانکه در منطق نبوی این کمال انسانی، میزان رشد یافتگی است. امیرمؤمنان علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است که

فرمود:

«لا تنظروا الی کثره صلاتهم و صومهم، و کثره الحج و المعروف و طنطنتهم باللیل؛ انظروا الی صدق الحدیث، و اداء الامانه.» [1].

به بسیاری نماز و روزه و زیادی حج و کارهای نیک و ناله
شبانۀ ی مردم ننگرید، بلکه به راستی گفتار و ادای امانت
بنگرید.

مشاهده می شود که رسول خدا (ص) چه چیز را میران
تشخیص معرفی کرده است. پایبندی به عهد و پیمان، و
وفاداری و امانتداری بستری است برای رشد و تعالی
آدمی و بدون آن هر چه فراهم آید شکننده است و تباه
شدنی. از امام صادق (ع) نیز روایت شده است که فرمود:

«لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده، فان ذلک شی
ء اعتاده، فلو ترکہ استوحش لذلک، ولكن انظروا الی
صدق الحدیث و اداء امانته.» [2].

به طول دادن رکوع و سجود شخص ننگرید، زیرا به آن

عادت کرده است و اگر

آن را ترک کند دچار وحشت شود، ولی به راستی گفتار و
ادای امانتش بنگرید.

این امر در مدرسه ی حسینی چنان بااهمیت و اساسی
تلقى می شود که ابوحمزه ی ثمالی از امام سجاد، علی بن
الحسین (ع)، روایت کرده است که به شیعیان خود می
فرمود:

«علیکم باداء الامانه، فوالذی بعث محمدا بالحق نبیا، لو ان
قاتل ابی الحسین بن علی (ع) ائتمنی علی السیف الذی
قتله به لادیته الیه.» [3].

بر شما باد به ادای امانت. به خدایی که محمد (ص) را

بحق به پیامبری برانگیخت، اگر قاتل پدرم حسین بن علی (ع) به من اعتماد کند و شمشیری را که با آن پدرم را کشته است نزد من امانت گذارد، بی گمان آن را بدو رد می کنم (و در امانت خیانت روا نمی دارم).

در این مدرسه بنیاد دین بر پایبندی به عهد و پیمان، و وفاداری و امانتداری است و دینداری جز در پرتو این بنیاد، سامان نمی یابد، چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) فرموده است:

«اصل الدین اداء الامانه، و الوفاء بالعهود.» [4].

بنیاد دینداری، امانت را به جا آوردن و پایبندی به عهد و پیمان است.

هیچ چیز چون پیمان شکنی و بی وفایی و خیانتکاری

بنیان برانداز و تباه کننده ی مناسبات انسانی و روابط اجتماعی و فرهنگ دینی نیست؛ و پایبندی به عهد و پیمان، و وفاداری و پرهیز از خیانتکاری حتی نسبت به دشمنان نیز امری مسلم است، چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر می نویسد:

«و ان عقدت بینک و بین عدوک عقده، او البسته منک
ذمه، فحط عهدک بالوفاء، و ارع ذمتک بالامانه، واجعل
نفسک جنه دون ما اعطیت... فلا تغدرن بذمتک، و لا
تخیسن بعهدک، و لا تختلن عدوک، فانه لا یجتری علی
الله الا جاهل شقی. و قد جعل الله عهده و ذمته امنا افضاه
بین العباد برحمته، و حریمایسکنون الی منعتہ، و
یستفیضون الی جواره؛ فلا ادغال و لا مدالسته و لا خداع
فیہ.» [5].

و اگر با دشمنت پیمانی نهادی و در ذمه خود او را امان

دادی، به عهد خویش

وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا. و خود را چون سپری
برابر پیمانت بر پا... پس در آنچه به عهده گرفته ای
خیانت مکن و پیمانی را که بسته ای مشکن و دشمنت را
که - در پیمان توسست - مفرب که جز نادان بدبخت بر
خدا دلیری نکند. و خدا پیمان و زینهار خود را امانی قرار
داده، و از در رحمت به بندگان، رعایت آن را بر عهده ی
همگان نهاده، و چون حریمی استوارش ساخته تا در
استواری آن بیارامند و رخت به پناه آن کشند. پس در
پیمان نه خیانتی توان کرد، و نه فریبی داد، و نه مکرری
پیش آورد.

امیرمؤمنان علی (ع) خود این گونه بود، و سخت پایبند
عهد و پیمان، و اهل وفاداری بود، چنانکه در ماجرای

حکمیت در پیکار صفین با آنکه امام (ع) راضی بدان وضع نبود، اما چون پذیرفت و صلحنامه ای با معاویه منعقد شد، آن را محترم شمرد و در پاسخ کسانی که خواهان نقض عهدنامه پس از انعقاد آن بودند، فرمود:

« بعد ان کتبناه نقضه؟ هذا لا يجوز. » [6].

آیا پس از اینکه آن را نوشتیم نقض کنیم؟ این کار جایز نیست.

مادام که پیمان برقرار است، شکستن آن جایز نیست، زیرا هر پیمانی و تعهدی، پیمان و تعهد با خدای متعال است و جز انسان نادان بدبخت، کسی بر خداوند گستاخی روا نمی دارد. زمانی که خوارج، همانان که حکمیت را پیش آورده بودند، از امیرمؤمنان علی (ع) خواستند تا عهد و میثاق بسته شده را بشکنند، حضرت

بدین آیه ی قرآن کریم استناد کرد و آنان را به حقیقت
عهد و پیمان یادآوری نمود: [7].

(و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم و لا تنقضوا الایمان بعد
توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما
تفعلون.) [8].

و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و
سوگندهای خود را پس از استوار کردن آنها مشکنید، با
اینکه خدا را بر خود ضامن و گواه قرار داده اید، زیرا
خدا آنچه را انجام می دهید می داند.

سلوک حسین (ع) در تمام احوال مبتنی بر پایبندی به
عهد و پیمان، و وفاداری و امانتداری بود، حتی بر پیمان
برادر با معاویه و صلحنامه ی منعقد شده پایدار ماند و
خلاف

عهد و پیمان عمل نکرد، [9] چنانکه در نامه ی خود به
معاویه، در عین آنکه ماهیت او را افشا کرد و سخت بدو
تاخت، اما پیمان بسته شده را پاس داشت و چنین نوشت:

«و ما ارید حربا لک و لا خلافا علیک؛ و ایم الله لقد ترک
ذلک.» [10].

من اکنون در پی نبرد و کارزار، و مخالفت آشکار با تو
نیستم، و به خدا سوگند پیکار با تو را (به سبب پیمان

بسته شده) کنار گذاشتم.

آنان که روح مدرسه ی حسینی را دریافتند، پایبندی به عهد و پیمان، و وفاداری را بر همه چیز مقدم دانستند، چنانکه یاران حسین (ع) در شب عاشورا خود را این گونه نشان دادند. شب عاشورا حسین (ع) خطبه ای خواند و به یاران خود اجازه داد تا بروند، اما آنان سخن از پایبندی به عهد و پیمان، و وفاداری به میان آوردند و امانتداری خود را اظهار نمودند؛ که به حقیقت حسین (ع) والاترین امانت هستی است و پایبندی به مدرسه ی او، پایبندی به زیباترین اصول زندگی است. آنان چنین گفتند:

«والله لا نفارقک، ولكن انفسنا لک الفداء، نطیک بنحورنا و

جباهنا و ایدینا، فاذا نحن قتلنا کنا و فینا، و قضینا ما

علینا.» [11].

به خدا سوگند (هرگز) از تو جدا نمی شویم، جانهای ما به
فدایت، با چنگ و دندان تو را حفظ می کنیم و چون
کشته شویم (به عهد خود) وفا کرده ایم و تکلیف خویش
را ادا نموده ایم.

اما ان جاهایی که وفاداری نبود. عهد شکنی بود. سخن
بدون عمل بود به پیکره اهل بیت ع و به پیکره اسلام
ضربه وارد شد. انجایی که عبیدالله بن عباس که فرمانده
لشکر امام حسن ع بود با گرفتن یک میلیون سکه از
معاویه، امام را تنها گذاشت. فرمانده بعدی هم با اینکه
امام حسن ع او را به تقوا سفارش کرد با گرفتن پول، امام
را تنها گذاشت. بعد هم همسر امام حسن با وعده ازدواج
با یزید، به امام خیانت کرد و امام را با زهر شهید کرد
اینها همه مصادیق سخن بدون عمل است.

کسی که به حرفش عمل نمی کند هیچ قابل اعتماد نیست
و در امتحانات الهی مردود می شود.

لذا همه شیعیان اهل بیت و همه مسلمانان به سفارش
قران کریم باید به سخنانشان پایبند باشند تا عاقبت به
شر نشوند. همه کارمندان باید خوش قول باشند. همه
کارگران باید خوش قول باشند. همه روحانیت باید عالم
با عمل باشند. همه پزشکان همچنین. مخصوصا مسئولین
باید به قولهایشان عمل کنند تا کشور پیشرفت نماید. تا در
جامعه روحیه اعتماد به هم گسترش یابد.

سخن آخر روایتی است که می فرماید:

لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ

کسی که به عهدش عمل نمی کند دین ندارد.

ادامه وفای به عهد

گر چه مشکل جامعه ما نداشتن اطلاعات کافی در مورد
مسایل اخلاقی نیست، و پای صحبت که به میان می آید،
اکثریت قریب به اتفاق جامعه حرف های زیادی برای
گفتن دارند و نظریه های اخلاقی فراوانی ارائه می دهند.
با این وجود باید دانست که از سخن گفتن در مورد
مسایل اخلاقی تا عمل کردن به آنها فاصله زیادی - شاید
به اندازه زمین تا به آسمان - وجود دارد.

گاهی مقایسه میان گپ و گفت های صمیمانه مردم با آنچه که در جامعه رخ می دهد، نشانگر تفاوت زیادی میان حرف و عمل مردم است. مسلماً اگر از هر یک از من و شما پرسند که وفای به عهد چیست و چقدر اهمیت دارد، می توانیم جملات فراوانی در مورد آن بگوییم. اما با این حال هر روز بر تعداد کسانی که دچار بدقولی دیگران می شوند و به اصطلاح سر کار می مانند، افزوده می شود. بنابراین تک تک افراد جامعه جدای از آنکه باید بر دانش خود نسبت به آموزه های اخلاقی بیافزایند و از اظهار نظرهای شخصی نسبت به این مباحث پرهیز کنند، باید انگیزه ای جدی برای عملیاتی کردن این آموزه ها در خود ایجاد کنند و با انقلابی همگانی لباس عمل را بر تن این آموزه های گهربار بپوشانند.

همانطور که گفته شد یکی از این آموزه های پر اهمیت «تعهد نسبت به قول و قرارها» است که در قرآن و روایات توجه ویژه به آنها شده است.

ریشه و اساس ساماندهی اجتماعی مسلمانان یکی از آرزوهای همه ما سلامتی اخلاقی جامعه و محیط

پیرامونمان است. اما اگر قرار باشد پاکیزگی و بهداشت اخلاقی سرتاسر جامعه را فراگیرد، به یقین باید پایه ها و ریشه های اخلاق مداری در جامعه شکل گیرد.

به بیان ساده تر جامعه ای رنگ سلامتی اخلاقی را به خود خواهد دید که از اساسی ترین آموزه های اخلاقی شروع کند و به درمان همه جانبه در آن زمینه های دانه درشت بپردازد. خداوند در سوره بقره آیه 177 ریشه و اساس خوبی ها را در شش چیز خلاصه می کند که یکی از آنها: «وفای به عهد» است. در این آیه آمده است

و لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ... وَ ...»
«الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»

نیکی (و نیکوکار) کسانی هستند که به خدا و روز ...»
رستاخیز ایمان آورده اند ... و به عهد خود هنگامی که عهد بستند وفا می کنند

سرمایه زندگی اجتماعی، اعتماد متقابل روشن است که افراد جامعه است و از جمله گناهایی که رشته اطمینان و اعتماد را پاره می کند و زیربنای روابط اجتماعی را سست می نماید، بد قولی و بی وفایی به پیمان ها و قرارها است.

به همین دلیل است که قرآن در دو جای دیگر به صراحت، فرمان به این مساله می دهد و چنین می فرماید:

سوره («وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ...» اسراء، آیه 34)؛ «... و به پیمانتان وفا کنید که همانا پیمان بود.» (در روز جزا) مورد سؤال خواهد بود

انسان بدقول، نه از جمله مؤمنان به حساب می آید و نه رنگی از سعادت و رستگاری را خواهد دید

در ابتدای سوره مبارکه مائده نیز که تنها چند ماه پیش از پایان عمر شریف پیامبر نازل شده است، چنین می خوانیم:

(سوره مائده، آیه 1) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ

ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها و قراردادهای (یتان) وفا کنید.

بنابراین شکی باقی نمی ماند که یکی از ریشه ای ترین مسایلی که می تواند سلامت اخلاقی جامعه را در پی

داشته باشد، «فرهنگ پایبندی به قول و قرارها و عهد و پیمان ها» است.

درجه اهمیت وفای به عهد از دیدگاه اسلام همه ما می دانیم که برخی از کارها در میان واجبات الهی از اهمیت بیشتری برخوردارند و خداوند تاکید بیشتری نسبت به آنها ابراز داشته است. روایات معصومان علیهم السلام نشان دهنده آن است که میان «وفای به عهد» و «اصل دین داری» ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. از پیامبر خدا **لَا دِينَ لِمَنْ لَا** :صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله نقل شده که فرمود نوادر راوندی، (ص 5)؛ کسی که پایبند به عهد و **عَهْدَ لَهُ** پیمان نیست، دین ندارد.

درجه اهمیت این واجب به بنابر این روشن است که قدری زیاد است که در صورت وانهادن آن اساس دین انسان زیر سوال خواهد رفت و ممکن است تنها با ساده انگاری و بی اعتنایی به آن، دیگر زحمات عبادی انسان همچون نماز و روزه بر باد رود و هیچ ارزشی در درگاه آیات ابتدایی سوره مؤمنون نیز شاهد الهی نداشته باشد بر این نکته است که میان «وفای به عهد» و «ایمان»،

پیوندی ناگسستنی برقرار است و «ایمان» بدون «وفای به عهد» معنایی ندارد. در ابتدای این سوره می خوانیم
آیه 1) ؛ به راستی که مؤمنان («قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»
رستگار شدند.

سرمایه زندگی اجتماعی، اعتماد متقابل افراد جامعه است
و از جمله گناهایی که رشته اطمینان و اعتماد را پاره می
کند و زیربنای روابط اجتماعی را سست می نماید، بد
قولی و بی وفایی به پیمان ها و قرارها است

سپس خداوند یک یک ویژگی های مؤمنان را برمی
شمرد تا مدعیان بی عمل، نتوانند ادعای ایمان کنند. اما
نکته مهم این است که خداوند در میان این ویژگی ها
:چنین می فرماید

؛ و آنان که «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»
.امانتها و پیمان خود را رعایت می کنند
به بیان دیگر انسان بدقول، نه از جمله مؤمنان به حساب
می آید و نه رنگی از سعادت و رستگاری را خواهد دید.

این بزرگترین پیامی است که درباره این موضوع می توان از کلام خدا دریافت کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز که الگوی تمام عیار همه انسان ها است، در سیره عملی خود چنان پایبند به قول و قرارهایش بوده که دیگران را شگفت زده می کرده است. جالب اینجا است که این رفتار پسندیده حتی پیش از دوران پیامبری نیز در آن حضرت مشهود بوده است. چرا که الگو باید همیشه الگو باشد و اسوه ای: یکی از یاران پیامبر نقل می کند .ماندگار بماند

قبل از بعثت، بین من و محمد صلی الله علیه و آله داد و ستدی بود. مقداری طلبکار شدم. به او گفتم: همین جا باش و من بر می گردم. آن روز و روز بعد، فراموش کردم که برگردم. پس در روز سوّم نزد او آمدم و دیدم که او همان جا منتظر من است. برای او جریان را گفتم (که فراموش کردم) فرمود: من سه روز است که اینجا منتظر شما هستم.(الخراج و الجرائح، ج 2، ص 90) درود خدا بر پیامبر عظیم الشانمان

پاورقی

[1] امالی الصدوق، ص 249؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 220.

[2] الکافی، ج 2، ص 105؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 219.

[3] امالی الصدوق، ص 204؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 225.

[4] عبدالواحد التمیمی الامدی، غررالحکم و درر الکلم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1407 ق. ج 1، ص 88.

[5] نهج البلاغه، نامه‌ی 53.

[6] الاخبار الطوال، ص 197.

[7] تاريخ الطبري، ج 5، ص 72؛ ابوالفر عبدالرحمن بن علي بن الجوزي، المنتظم في تاريخ الامم و الملوك، دراسه و تحقيق محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبدالقادر عطا، راجعه و صححه نعيم زرزور، الطبعة الاولى، دارالكتب العلميه، بيروت، 1412 ق. ج 5، ص 129؛ الكامل في التاريخ، ج 3، ص 334؛ نهايه الارب، ج 20، ص 164؛ البدايه و النهايه، ج 7، ص 315.

[8] قرآن، نحل / 91.

[9] انساب الاشراف، ج 3، ص 366.

[10] انساب الاشراف، ج 5، ص 128.

[11] تاريخ الطبري، ج 5، ص 420؛ قريب به همين:
مقتل الخوارزمي، ج 1، ص 247؛ الملهوف، ص 153.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آنان، که امانتها و پیمانهای خود مراعات می کنند،

9

امانت در فرهنگ لغت، دارای معانی مختلفی است؛ پاس داری، حفاظت، امنیت، امان، مواظبت، مراقبت، رازداری، نگه داری، آسایش و آرامش روح و جان از جمله معانی امانت است و مفاهیمی چون: خیانت، دزدی و چپاول، بی وفایی، ایجاد رعب و وحشت، نیرنگ، جاسوسی، نفاق، بهتان، کتمان حقیقت و بی مبالایی در نگه داری اسرار، متضاد آن می باشد

ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها...1؛ خداوند به شما فرمان می (دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید)

روزی عقیل خدمت حضرت علی(ع) شرف یاب شد و گفت: (یا علی تو برادر منی و خزانه بیت المال در دست تو است، من نیز فقیر و عیالوار هستم؛ لطفا سهم بیش تری از بیت المال را به من بده

در حدیثی از رسول اکرم(ص) است که فرموده اند: (اقریکم منی غذا فی الموقف اصدقکم للحدیث و اداکم للامانه و اوفاکم بالعهد و احسنکم خلفا و اقربکم من النار)

:امام جعفر صادق(ع) می فرماید

لاتغتروا بصلاتهم و لاصیامهم فان الرجل ربما لهج بالصلوه و الصوم حتی لو ترکه استوحش و لکن اختبروهم عند صدق الحدیث و اداء الامانه؛ از کثرت نماز و روزه اشخاص فریب نخرید، زیرا ممکن است کسی به این کار عادت کرده و ترک آن برایش دشوار باشد؛ بلکه با راست گویی و ادای امانت مردم را بسنجید و آزمایش کنید

امام صادق(ع) به عبدالله بن سبابه توصیه فرمود: (علیک بصدق الحدیث واداء الامانه تشرک الناس فی اموالهم...; بر تو باد به راست گویی و ادای امانت [اگر چنین کردی] با مردم در اموالشان شریک خواهی بود

حضرت رسول اکرم(ص) می فرماید: (للمنافق ثلاث علامات: ان حدث کذب، ان ائتمن جان وان وعد خلف؛ منافق سه نشانه دارد: دروغ گویی، خیانت در امانت و خلف وعده

:«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»

لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ بِالْأَمَانَةِ

هر کس در امانت خیانت کند پیرو ما نیست. (سفینه، ص ۴۳۳)

:«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»

مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ

إِذْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَيَّ غَيْرِ مِلَّتِي

کسی که در دنیا در یک امانت خیانت ورزد و به صاحبانش رد نکند تا اینکه مرگ او فرا برسد، او بر آئین من (اسلام) نمرده است! (بخاری، ج ۷۵، ص ۱۷۱)

:«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»

الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَ إِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ

محفل و مجالس (خصوصی) مردم برای افراد آن يك امانت است (و تا مجاز نباشند نباید از آن بازگو نمایند) فاش کردن راز برادر دینی خود یک خیانت به شمار می آید. (بخاری، ج ۷۷، ص ۸۹)

:«مولی امیرالمؤمنین(علیه السلام)

رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ

امانت‌داری اساس و پایه اسلام است. (فهرست غرر، ص ۳۶)

:«پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم»

لَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ فَتَكُنْ مِثْلَهُ

به کسی که به تو خیانت کرده خیانت نکن وگرنه تو مثل او خواهی بود. (الشهاب فی الحکم والآداب، ص ۶۱)

:«امام جعفر صادق (علیه السلام)»

**لَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِئْتَمَنَنِي عَلَيَّ الْأَمَانَةِ
لَأَدَّيْتُ إِلَيْهِ**

اگر قاتل علی (ع) امانتی به من می‌سپرد حتماً آن را به او مسترد می‌کردم! (بحار، ج ۷۵، ص ۱۱۷)

:«مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام)»

غَايَةُ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْخِلِّ الْوَدُودِ وَ نَقْضُ الْعَهْدِ

سرانجام کار خیانت، منتهی به پیمان‌شکنی و خیانت (حتّی) به دوستان بسیار صمیمی خواهد شد. (فهرست غرر، ص ۱۰۰)

:«مولی امیرالمؤمنین علیه السلام»

بَشَرُ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ

بدترین مردم کسی است که پای‌بند به امانت‌داری نیست و از خیانت و تعدّی به دیگران هم دست‌بردار نیست. (فهرست غرر، ص ۳۶)

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در حدیث شفاعت می‌فرماید :

ثم يمر الناس على الصراط، فيرسل الله تبارك و تعالی علی ...»
جنبتي الصراط الامانة و الرحم، فتقومان فكلما أراد أحد أن يمتاز
الصراط تسأله الأمانة : أ رأيت ما عليك من حقي؟! [مسلم /
حديث ٤٨١]

سپس مردم از روی پل صراط رد می‌شوند، خداوند امانت و ...
رحم را می‌فرستد که در دو طرف صراط قرار گیرند، آن دو
می‌ایستند و هر وقت می‌خواهد کسی رد شود امانت از او
(...! می‌پرسد : آیا حقم را ادا کردی؟

ولا دين لمن لا عهد له» [احمد ١٣٥/٣ و ٣١٠/٣]

(و. کسی که به عهدش وفا نکند، دین ندارد...)

و این تهدیدی بس بزرگ است که قلب آدمی را از غفلت بیدار
می‌کند.

: باز پیامبر -صلی الله علیه سلم- می‌فرماید

«إذا ضيعت الأمانة فانتظر الساعة»

(.وقتی امانت ضایع شود منتظر قیامت باش)

: خداوند در آیهی ٢٧ سورهی انفال می‌فرماید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ «
»تَعْلَمُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و «
(نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید (این
»!کار، گناه بزرگی است)

پیامبر -صلی الله علیه سلم- درباره اهمیت حقوق مردم
: می‌فرماید

المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده» [بخاری/١٠]

(مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او در (امان باشند)

همچنین می‌فرماید: «المؤمن من آمنه الناس على دماءهم و أموالهم» [ترمذی/ ۳۶۳۷]

مؤمن کسی است که مردم او را بر خون و اموالشان امین (بدارند)

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «التاجر الصدوق الأمين مع النبين والصديقين والشهداء» [ابن ماجه / ۲۱۳۹]

(تاجر راستگوی امین با پیامبران و صدیقان و شهدا است)

اسلام در بسیاری از کشورها به وسیله‌ی اخلاق به‌ویژه اخلاق امانتداری، منتشر شده است نه به زور شمشیر؛ آن هنگام که مسلمانان تاجر به آن کشورها مسافرت کرده‌اند و مردم آن دیار راستی و پاکی را از آنان می‌دیدند، جذب دین و اخلاقشان می‌شدند.

: رازداری یکی دیگر از انواع امانت‌ها

باید خواهران بدانند در این نوع امانت آنان بیشتر از همه مورد خطاب‌اند!

رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «إذا حدث الرجل بالحديث ثم التفت فهي أمانة» [ابوداود/ ۴۸۶۸ و ترمذی / ۱۹۵۹ و احمد / ۳/۳۳۴]

اگر شخصی سخنی گفت و به اطرافش نگاه کرد این سخنان (امانت است)

پاز می‌فرماید: «إن من أعظم الأمانات عند الله يوم القيامة أن يفضي الرجل لإمرأته بالحديث و تفضي إليه ثم ينشر سرها» [مسلم/ ۳۵۲۷ و ابوداود/ ۴۸۷۰]

از جمله بزرگترین امانت‌ها نزد خداوند در روز قیامت آن است که (مردی با همسرش سخن بگوید و همسرش نیز رازهایش را به او بگوید سپس آن مرد رازهایش را فاش نماید

حضرت علی (ع) نقل می‌کند که پیامبر (ص) يك ساعت قبل از رحلتش «: خطاب به من فرمود

يا اباالحسن اَدِّ الامانةَ اِلَيَّ البرِّ والفاجرِ في ما قَلَّ و جَلَّ حَتَّى في الخِيطِ وَالمِخِيطِ؛ اي ابوالحسن! امانت را چه مربوط به شخص نیکوکار باشد یا بدکار، چه کم باشد، چه زیاد، حتي امثال نخ و سوزن هم به صاحبش برگردان

پیامبر(ص) در حفظ امانت به قدری جدی و کوشا بود که به «امین»

لقب گرفت، به طوری که قبل از بعثت وقتی مشرکان او را می دیدند

می گفتند: امین آمد. چنان که در ماجرای نصب حجرالاسود در جای

خود، که پنج سال قبل از بعثت رخ داد، همین مطلب آمده است که

گفتند: «هذا الامین قد رضينا به؛ ما به داوری این امین در نصب

(14)». حجرالاسود، راضی شدیم

در ماجرای هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه آن حضرت در سخت ترین

و خطرناک ترین شرایط، حضرت علی (ع) را به جای خود نصب کردو

شبانۀ از مکه خارج شد، اموری موجب شد که پیامبر (ص) علی (ع) را

جانشین خود کند و پس از چند روز، هجرت نماید، در رأس این امور،

اداي امانت هايي بود كه بعضي از مشركان در نزد پيامبر (ص) داشتند،
ابن هشام در سيره خود مي نويسد: «حضرت علي (ع) سه شبانه روز
در مكه ماند تا امانت هاي مردم مكه را كه نزد پيامبر(ص) بود، به
صاحبانش برساند تا پس از آن كه امانت ها را به صاحبانش رد كرد او
(15)».نيز هجرت كند

از حوادث جالب اين كه در ماجراي جنگ خيبر كه در سال هفتم هجرت
رخ داد، آذوقه سپاه اسلام، تمام شد و از نظر غذا رساني به قدري در
مضيقه قرار گرفتند كه براي برطرف نمودن گرسنگي، از گوشت
حيواناتي مانند اسب، قاطر و... (كه گوشتشان مكروه است) مي
خوردند، در اين شرايط چوپاني از يهوديان راديدند كه گوسفندهاي آنها
را از بيابان به سوي قلعه ها مي برد، خواستند آن گوسفندان را به
غنيمت بگيرند، چوپان گفت: اين ها نزد من امانت است. پيامبر (ص) در
برابر صدها سرباز گرسنه، با صراحت فرمود: «در آيين ما خيانت به
امانت، يكي از بزرگ ترين جرم ها است، بر تو لازم است كه همه
گوسفندها را تا در قلعه بري و به صاحبانش برساني.» آن چوپان

اسلام را پذیرفت، گوسفندان را به صاحبانش سپرد و سپس به سپاه

(16).اسلام پیوست و با یهودیان جنگید تا به شهادت رسید

مسئله جالب دیگر درباره هشدار شدید پیامبر(ص) به کسی است که

اندکی در امانت بیت المال خیانت کرده بود، او یکی از اصحاب به نام

"مَدَعَم" غلام رفاعه بن زید بود، هنگامی که رسول خدا (ص) و

همراهان از جنگ خیبر باز می گشتند به سرزمین وادی القری رسیدند،

در آن جا مَدَعَم مشغول پیاده کردن وسایل سفر پیامبر(ص) از پشت

شتر بود، ناگاه تیری از ناحیه دشمن به پیکر مَدَعَم اصابت کرد و به

شهادت رسید، اصحاب دور جنازه مطهر او جمع شدند و ضمن اظهار

تأسف، خطاب به او گفتند: «بهشت بر تو گوارا باد.» پیامبر (ص)

فرمود: «نه سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، اکنون

زبانه های آتش از لباسی که مَدَعَم پوشیده شعله ور است، چرا که او

آن را از غنایم خیبر برداشته.» (و به امانت خیانت کرده است) حاضران از

این سخن پیامبر(ص) به سختی تحت تأثیر قرار گرفتند، یکی از اصحاب

به پیش آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! آیا من هم که دو بند کفش
«ناچیز را از غنایم برداشته ام، مجازات می شوم؟» پیامبر (ص) فرمود
يَقْدُّ لَكَ مِثْلُهَا فِي النَّارِ؛ برای تو نیز همانند آن دو بند کفش در آتش دوزخ
(17)». بریده می شود

- امام صادق (ع) فرمود: «حضرت علی (ع) در پیشگاه رسول خدا (ص) 2
به آن مقام بسیار ارجمند نرسید مگر به خاطر دو خصلت: راست گویی
(18)». و امانت داری

امانت داری حضرت علی (ع) در همه امور، به ویژه حفظ بیت المال،
بسیار دقیق و جدّی بود، به گونه ای که عده ای از دوستانش به او
پیشنهاد کردند برای پیشرفت کار حکومت (حداقل در آغاز کار) برای
افراد صاحب نفوذ، در تقسیم بیت المال امتیازی قائل شود، آن حضرت
با کمال صلابت و خشم این پیشنهاد را رد کرد و فرمود: «آیا به من
دستور می دهید که برای پیروزی خود، از روی جور و ستم در حق
کسانی که بر آنها حکومت می کنم، استفاده کنم؟ سوگند به خدا تا
زنده ام و شب و روز برقرار است و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و

غروب می کنند، هرگز به چنین کاری دست نمی زنم، اگر این اموال از خودم بود، به طور مساوی در میان آنها تقسیم می کردم (و عدالت را رعایت می نمودم) تا چه رسد به این که این اموال، اموال خدا (و متعلق 19)» به بیت المال است

در حدیث آمده: حضرت علی (ع) هنگام فرا رسیدن وقت نماز آن چنان دگرگون می شد که غیر عادی به نظر می رسید، علّتش را می پرسیدند، می فرمود: «وقت نماز رسیده، وقت همان امانتی که خدا بر آسمان و زمین عرضه داشت و از حمل آن ابا کردند و ترسان 20)» شدند

- بعدالله بن سنان می گوید: امام صادق (ع) را در مسجد النبی دیدم 3 که پس از نماز رو به قبله نشسته بود، پرسیدم: بعضی از سلاطین و طاغوتیان در نزد ما امانتی می گذارند، خمس مال خود را نیز به شما نمی پردازند، آیا امانتشان را به آنها برگردانیم؟» در پاسخ سه بار فرمود: «وَرَبِّ هَذِهِ الْقِبْلَةِ...؛ سوگند به پروردگار این قبله، اگر ابن ملجم قاتل جدّم علی (ع) - که من در جست جوی او (برای انتقام) هستم، و

او خود را مخفي مي کند - امانتي به من بسپرد (و من بپذيرم) آن را

(21)». حتماً به او خواهم داد

در مورد انتقال صحيفه سجّاديه از يحيي بن زيد به پسر عموهائيش مجد

و ابراهيم (دو پسر عبدالله بن حسن مثنّي) چنين روايت شده: متوکّل

بن هارون مي گويد: صحيفه را با کمال حفظ امانت به مدينه بردم،

نخست به محضر امام صادق (ع) رفتم و ماجراي وصيت يحيي بن زيد و

شهادت او را خبر دادم، سپس عرض کردم. يحيي صحيفه سجّاديه را به

من داد تا به پسر عموهائيش مجد و ابراهيم برسانم (گويا بين مجد و

ابراهيم پسران عبدالله بن حسن مثنّي با امام صادق (ع) بر سر

مسئله قيام، يك نوع نگاهت و جدائي وجود داشت و متوکّل مي

خواست صحيفه به آنها نرسد) اينك صحيفه را نزد شما آورده ام، امام

صادق (ع) در مورد شهادت يحيي به شدت گريه کرد و در حق او دعا

نمود نگاهی به صحيفه کرد و فرمود: «سوگند به خدا! اين خط عمويم

زيد! و املاي جدّم امام سجّاد (ع) است» آن گاه عرض کردم: «آيا اجازه

مي دهيد اين صحيفه را به مجد و ابراهيم، پسران عبدالله بن حسن،

برسانم؟» آن حضرت نخست این آیه را خواند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا
 الأمانات إلى أهلها؛ خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به
 صاحبانش باز گردانید» آن گاه فرمود: آری صحیفه را به آنها بده (زیرا
 امانت است و طبق سخن خدا در قرآن، امانت را باید به صاحبش داد)
 آن گاه متوکل برخاست تا نزد مجد و ابراهیم برود، امام صادق (ع)
 فرمود: «همین جا باش و برای آن دو، پیام فرستاد که نزد من بیایید، آنها
 آمدند، متوکل در حضور امام صادق (ع) امانت (صحیفه) را به مجد و
 ابراهیم سپرد.»(22)

1. المصباح المنیر، واژه امین -1

2. تفسیر نورالتقلین، ج 1، ص 496 -2

3. بحارالانوار، چاپ اسلامیة، ج 77، ص 275 و 418 -3

4. مشکاة الانوار طبرسی، ج 3، ص 142 -4

5. همان -5

مانند آیات: سوره مؤمنون، آیه 8؛ سوره معارج، آیه 32؛ سوره نساء، - 6

آیه 58؛ سوره انفال، آیه 27؛ سوره بقره، آیه 283 و سوره احزاب، آیه

73.

.سوره نساء، آیه 58 - 7

.تفسير مجمع البيان، ج 3، ص 9-63

.اصول کافی، ج 2، آیه 105 - 10

.بحارالانوار، ج 75، ص 114 - 11

.همان، ص 172 - 12

.همان، ص 171 - 12

.كحل البصر محدث قمی، ص 125 - 14

.سيره ابن هشام، ج 2، ص 138 - 15

.همان، ج 3، ص 345؛ فروغ ابدیت، ج 2، ص 247 - 16

.سيره ابن هشام، ج 3، ص 353 و 354 - 17

.اصول کافی، ج 2، ص 104 - 18

.نهج البلاغه، خطبه 126 - 19

تفسیر نور الثقلین، ج 4، ص 313-20

مشكاة الانوار، ص 140؛ مجموعه ورام، ج 1، ص 20-21

مقدمه صحیفه کامله سجّادیه (باتلخیص) -22

: منبع

محمد مهدی اشتهااردی

: اموال

بارزترین مصداق امانت در میان مردم، اموال و اشیاء می باشد آنگاه که شخصی به دیگری اطمینان می کند و مال خود را به او می سپارد، گیرنده با قبول آن موظف به پاسداری و حفظ در فرهنگ اسلامی به نام «ودیعہ» وجود دارد که برای جلوگیری از نزاع و مناقشات و اختلاف در این زمینه، احکام و شرایط این نوع امانت داری در آنجا بیان شده است. قرآن کریم این قسم امانت را مطرح می کند و می فرماید: «فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ» [بقره، آیه 283]

ترجمه: اگر کسی از شما به دیگری امانتی سپرد، شخص امین باید آن ودیعہ را به صاحبش برگرداند و از خداوندی «که پروردگار اوست، پروا کند

حفظ ناموس مردم

حرمت زن ها و دختران مسلمان ، یکی از اقسام امانت
شمرده می شود که محافظت از آن وظیفه همه مسلمانان می
باشد و هر گونه سهل انگار در این مورد ضرر های
جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. در اهمیّت این نوع
امانت کافی است بدانیم که لغزش در این زمینه، موجب
جدایی از اهل بیت و پیامبر(ص) می شود
پیامبر اکرم(ص) در حدیثی: به این موضوع فرموده
است: «أَيُّسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ» [مستدرک
الوسائل، ج 14، ص 12] از ما نیست کسی که به خانواده یا
مال مسلمانی خیانت کند

قرآن و اهل بیت(ع)

قرآن کتاب آسمانی الهی و عترت پیامبر(ص) دو امانت مهم
و ارزشمندی هستند که باید مسلمانان با تمام جان و دل این
دو امانت را محافظت کنند
آنجایی که سفارش رسول اکرم (ص) در آخرین لحظات
حیات خود به معارف قرآنی و راهنمایی و پیروی اهل بیت
(ع) نموده است

عبد الله بن عباس می گوید: بعد از نقل خطبه طولانی رسول
اکرم (ص) در حجة الوداع که در مورد این دو امانت مهم و
با عظمت بیان نموده است که: «ای مردم من به زودی از
میان شما خواهم رفت. باشما وداع می کنم و برایتان وصیتی
دارم. وصیت مرا حفظ کنید، من در میان شما دو امانت
گران بها می گذارم: کتاب خدا و عترت من که اهل بیت من
هستند. اگر به این دو پناهنده شوید، هیچ گاه گمراه نخواهید
شد. [مستدرک الوسائل، ج 11، ص 374]

امام صادق (ع) می فرماید: «لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى ثَلَاثَةٍ فَيُؤَدِّيَهَا عَلَى الْأَمْوَالِ وَ الْأَسْرَارِ وَ الْفُرُوجِ وَ «إِنْ خَفِظَ اثْنَيْنِ وَ ضَيَّعَ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ

کسی را نمی توان امین دانست، مگر اینکه در سه چیز امانت داده شود و آن را ادا کند: اموال، اسرار، نوامیس، و اگر در دو مورد از عهده بر آید و در یکی خیانت کند، امین نخواهد بود. [تحف العقول، ص 316]

امنیت و آسایش جامعه

پیامبر اکرم (ص) در مورد این ابعاد اجتماعی امانت داری در جامعه می فرماید: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَتَخَاوُنُوا وَ آدُوا الْأَمَانَةَ» [اخلاق در قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، ج 3، ص 189]

پیوسته امت من در خوشی و راحتی خواهند بود، مادامی که به همدیگر خیانت نورزند و امانت ها را ادا کنند

امام کاظم (ع) این دستاور را برای تمام ساکنان زمین پیش بینی نموده و سعادت و خوشبختی آنان را در امانت داری و عمل به حق می داند. می فرماید: «أَهْلُ الْأَرْضِ بِخَيْرٍ مَا يَخَافُونَ وَ آدُوا الْأَمَانَةَ وَ عَمِلُوا بِالْحَقِّ» [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 9، ص 25]

اهل کره خاکی، زندگی خوش و نیکویی خواهند داشت، اگر از گناه کردن بترسند و امانت داری پیشه کنند و به حق عمل نمایند

از دیگر آثار امانت داری، فراوانی رزق و روزی و پر برکت بودن آن است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ» [اصول کافی، محدث کلینی، ج 5، ص 133] امانت داری موجب جلب روزی است

حضرت در حدیث دیگری امانت داری را موجب ثروتمندی

می داند: «امانت داری بی نیازی را به همراه دارد» [قرب الاسناد، ابی العباس حمیری، ص 55]

شخص امین در هر جا و هر شغل، اعتماد دیگران را به خود جلب می کرده و استقبال عمومی را به ارمغان می آورد. امانتدار اگر کاسب باشد مردم با اطمینان با او معامله می کنند و مشتری های فراوانی خواهد داشت. او اگر در اداره ای مشغول به کار شود، توجه و اطمینان مسئولان را بر می انگیزد. در هر حال زمینه جلب و روزی و رفاه برای چنین شخصی کاملاً فراهم است.

در مقابل خیانت و نادرستی، فقر آورد موجب ذلت است. پیامبر (ص) فرمود: «الْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ:» خیانت، فقر و فلاکت به همراه دارد. [الكافی، ج 5، ص 133]

شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: زنی در مدینه در آرایش بانوان و دختران اشتغال داد و ماکسی را مثل او سراغ نداریم که رزق و روزی از هر سو برایش ریزان باشد. امام (ع) فرمودند: «أَنَّهَا صَدَقَتِ الْحَدِيثَ وَ أَدَّتِ الْأَمَانَةَ وَ ذَلِكَ يَجْلِبُ الرِّزْقَ» [وسائل الشیعه، چ 19، ص 68] او راست میگوید و امانت دار است و این سبب فراوانی روزی است.

امام صادق (ع) می فرمود: «كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالِ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمُكْتَسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَازِقًا يَعْمَلُهُ مُؤَدِّيًا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ» هر صاحب صنعتی لازم است سه صفت داشته باشد که بوسیله آنها کسب و کار خود را رونق دهد، نخست این که در کارش ماهر باشد، و امانت را در آن اداء کند، و نسبت به کسانی که آنها را به «کار می گیرند عطف و مهربان باشد

امنیت در قیامت
ابوذر می گوید: از رسول اکرم (ص) شنیدم که فرمود: «رحم

و امانت در روز قیامت [مجسم شده] درد و جانب پل صراط قرار می گیرند» هنگامی که صله رحم کننده و شخص امانت دار از آنجا عبور می کند، مستقیماً به بهشت می رود. اما وقتی خیانت کننده به امانت و قطع کننده رحم از آنجا در می شود، با این دو عمل زشت، هیچ کار نیک به او فائده نمی دهد و وی را از صراط به سوی آتش جهنم بر می گرداند» [خَافَتَا الصِّرَاطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجْمُ وَالْأَمَانَةُ فَإِذَا مَرَّ الْوُصُولُ لِلرَّجْمِ الْمُؤَدِّي لِلْأَمَانَةِ نَفَذَ إِلَى الْجَنَّةِ وَإِذَا مَرَّ الْخَائِنُ لِلْأَمَانَةِ الْقَطُوعُ لِلرَّجْمِ لَمْ يَنْفَعُهُ مَعَهُمَا عَمَلٌ وَ تَكْفَأُ بِهِ الصِّرَاطُ فِي النَّارِ]] (الكافی، ج2، ص152))

تکامل ایمان

ایمان هر شخصی، پس از طی مراحل و با تحمل زحمات و تلاش های او در انجام کار های نیک و اعمال شایسته، به سوی کمال می رود، اما برخی از اعمال نیک در کمال شدن ایمان انسان اثر به سزایی دارد. «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمُلَ إِيْمَانُهُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبٌ لَمْ يَنْقُصْ ذَلِكَ وَ هِيَ الصِّدْقُ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ» چهار ویژگی در افراد، موجب کمال ایمان آنهاست اگر از سر تا پای وجودشان را گناه فراگرفته باشد خللی در آیمانشان ایجاد نمی شود، راستگویی، امانت داری، حیاء و حسن خلق. «وسائل الشیعه، ج19، ص70]

رضایت پروردگار

برای یک انسان با ایمان خواسته ای بالاتر از جلب رضایت حق تعالی نیست، چرا که در این صورت انسان طالب کمال و حقیقت به بالاترین آرزوی خود می رسد. امام علی(ع) فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبَ إِلَيْهِ الْأَمَانَةُ» [غرر الحکم، عبد الواحد آمد، نشر دفتر تبلیغات، قم 1366ش، ج3، ص140]

هرگاه خدا بنده ای را دوست داشته باشد، امانت داری را در نظر او دوست داشتنی میکند. بنابر این هر کس که امین و امانت دار است دوست و محبوب خداست.

وفای به عهد

خداوند بزرگ در قرآن کریم، خود را باوفاترین می شمارد و می فرماید

وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؟ چه کسی به پیمانش پای بندتر از خداست؟. (توبه: ۱۱۱)

خداوند منان، کمترین احتمال پیمان شکنی را نسبت به خود قاطعانه مردود می شمارد:

قَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ؛ خداوند هرگز پیمان شکنی نمی کند». (بقره: ۸۰)

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ؛ آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند». (رعد: ۲۰)

خداوند حکیم، در آیه دیگری، وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می خواهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها وفا کنید». (مائده: ۱)

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا. (اسراء: ۳۴)

به پیمان های خود وفادار باشید زیرا از پیمان ها سؤال خواهد شد

:پیامبر گرامی اسلام فرمودند

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ بِإِذِهِ وَعَدِهِ

آن کس که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد، باید به وعده های خود وفادار باشد

در برخی روایت ها، عمل به وعده های اخلاقی به صورت یک امر واجب مطرح شده است. این نشان دهنده اهمیت عمل به چنین وعده هایی است. تا آنجاکه برخی پیشوایان معصوم می فرمایند

يَجِبُ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْوَفَاءُ بِالْمَوَاعِدِ؛ بر فرد باایمان لازم است به پیمان خود « عمل

:قرآن کریم یکی از این الگوها را چنین یادآور می شود

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ. (مریم: 54)

در این کتاب، اسماعیل را یاد کن، همانا که او در وعده اش راست گو و باوفا بود

در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: حضرت اسماعیل با شخصی قرار گذاشت، ولی او در وعده گاه حاضر نشد. آن حضرت، مدت زیادی در آنجا به انتظار نشست. به گونه ای که غیبت طولانی ایشان، سبب نگرانی پیروانش گردید. سرانجام فردی که بر حسب اتفاق از آنجا می گذشت، حضرت را دید و گفت: ای پیامبر خدا! ما بر اثر تأخیر شما نگران شده ایم. حضرت فرمود: من با فلان کس در اینجا وعده دیدار دارم، ولی او نیامده است و تا او نیاید من از اینجا نمی روم. آن مرد جریان را به مردم خبر داد و آنها به سراغ شخص مورد نظر رفتند و او را نزد آن حضرت آوردند. مرد با شرمساری گفت: ای پیامبر خدا! من قرار دیدار با شما را فراموش کردم. ایشان فرمود: اگر نیامده بودی، من همچنان در اینجا می ماندم

در مورد پیامبر گرامی اسلام هم آمده است که ایشان روزی کنار سنگی با شخصی وعده دیدار داشتند

آفتاب بالا آمد. هوا گرم شد، ولی او نیامد. یاران آن حضرت به ایشان گفتند: خوب است از آفتاب به سایه بیاپید. حضرت فرمود: من با او در اینجا وعده دیدار دارم و تا او نیاید، از اینجا حرکت نخواهم کرد

درباره امام سجاد علیه السلام نیز آمده است که ایشان از یکی از یاران خویش ده هزار در هم قرض خواست. وقتی که شخص در برابر این مبلغ از حضرت تقاضای رهن کرد، امام نخی از عیای خود کشید و به او داد و فرمود: این وثیقه من است تا موقع ادای دین نزد تو باشد. پس از مدتی، امام پول شخص را آماده کرده و فرمود: پولت حاضر است. وثیقه مرا بیاور. آن شخص که قصد برگرداندن نخ را نداشت، گفت: من نخ عبا را گم کرده ام. حضرت فرمود: در این صورت طلب خود را نخواهی گرفت؛ زیرا تعهد با شخصی مثل مرا نباید ناچیز انگاشت. به ناچار مرد نخ عبا را به امام برگرداند و بدهی خود را گرفت.

نمونه ای دیگر از وفای به عهد

تاریخ از شخصیت های برجسته ای یاد می کند که عمل به پیمان را تا پای جان محترم می شمردند. در تاریخ زندگی سیاه حجاج می خوانیم وی به قتل گروهی فرمان داد. وقتی نوبت به قتل آخرین فرد رسید، صدای مؤذن برخاست. وی آن فرد را به یکی از مأموران خود سپرد که شب مراقب او باشد و او را صبح به دارالاماره بیاورد تا مجازاتش کند. وقتی هر دو نفر از مقر حکومت حجاج خارج شدند، آن فرد به مأمور حجاج رو کرد و گفت: من بی جهت گرفتار شده ام و به رحمت خداوند امیدوارم. تمنای من این است که به من نیکی کنی و اجازه دهی من امشب را به خانه خود برگردم و با همسر و فرزندانم وداع کنم و وصایای خود را بگویم، حقوق مردم را ادا کنم و فردا اول وقت پیش تو بیایم. مأمور حجاج از این درخواست در شگفت ماند و گفت: هرگز دیده ای مرغ از قفس بپرد و بار دیگر به قفس بازگردد. من چگونه تو را آزاد کنم، در حالی که امیدی به بازگشت تو ندارم. آن فرد گفت: عهد می کنم که فردا در اول وقت باز گردم و خدا را بر این عهد گواه می گیرم.

مأمور حجاج، لحظه ای منقلب شد و او را آزاد کرد. وقتی از دیدگاه غایب شد، سخت پشیمان شد و خود را در معرض خشم حجاج دید. آن شب تا صبح خوابید. صبحگاه، آن مرد به پیمان خود عمل کرد و در خانه مأمور حجاج را زد. تا چشم مأمور به وی افتاد، گفت: چرا آمدی؟ گفت هر کس عهد کند و خداوند را به آن گواه بگیرد باید به آن وفادار باشد و از سوی دیگر به رحمت پروردگار جهان اطمینان کامل دارم.

مأمور او را به دارالاماره برد و سرگشت خود را با حجاج در میان نهاد و از وفای او به پیمان خود سخت تعجب کرد. حجاج او را به مأمور بخشید و او نیز مرد را با کمال مهربانی آزاد کرد. هنگام آزاد شدن، از مأمور حجاج سپاس گزاری نکرد، ولی فردای آن روز بازگشت و مراتب حق شناسی را به

جا آورد و علت تأخیر در عذرخواهی را چنین بیان کرد: «نجات دهنده واقعی من خدا بود و تو وسیله این کار. اگر اول از تو تشکر می کردم، تو را شریک نعمت خدا قرار داده بودم. لازم دانستم نخست از خدا تشکر کنم، آن گاه از تو». «قدر دانی نمایم»

پیمان شکنی و پی آمدهای منفی آن

به همان اندازه که درباره وفاداری به عهد و پیمان تأکید شده، از پیمان شکنی و بی وفایی نکوهش شده است. قرآن کریم، بیشترین زبان ناشی از پیمان شکنی را متوجه شخص پیمان شکن می داند و می فرماید: «فَمَنْ نَكثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ؛ هر کس پیمان شکنی کند، در حقیقت به زیان خویش پیمان شکنی کرده است». (فتح: 10)

سلب اعتماد عمومی، آسیب دیگر پیمان شکنی است. احساس اعتماد متقابل، پشتوانه محکمی برای فعالیت های اجتماعی است. اگر وفای به عهد، از جامعه انسانی رخت بر بندد و پیمان ها یکی پس از دیگری شکسته شود، سرمایه بزرگ اعتماد عمومی به غارت خواهد رفت و جامعه به ظاهر متشکل، به اجزایی پراکنده تبدیل می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مَنْ لَا يُوفِي بَعْدَهُ؛ بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی کند، اعتماد مکن».

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان
بیر پیمانه کش من که روانش خوش
شکنان
حافظ

شخص پیمان شکن، افزون بر اینکه اعتبار و ارزش دنیوی خود را از دست می دهد، در آخرت نیز با گرفتاری بزرگی روبه رو خواهد شد. سرنوشتی که امام علی علیه السلام آن را چنین ترسیم می کند

إِنَّ فِي النَّارِ لَمَدِينَةً يُقَالُ لَهَا الْحَصِينَةُ أَفَلَا تَسْأَلُونِي مَا فِيهَا؟ فَقِيلَ لَهُ مَا فِيهَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ فِيهَا أَيْدِي النَّاكِثِينَ

همانا در جهنم شهری است که به آن حصینه (دژ مستحکم) می گویند. آیا از من نمی پرسید که در آن شهر چیست؟ سؤال شد: ای امیرمؤمنان در آن شهر چیست؟ فرمود: دست های پیمان شکنان

در شان نزول آیه شریفه یوفون النذر (سوره انسان آیه 7) شیعه و سنی روایت کرده اند که

درباره امیرالمومنین(ع) و فاطمه (س) و حسن و حسین(ع) نازل شده است. داستان نزول ایه به این سبب است که حضرت امام حسن(ع) و امام حسین(ع) بیمار شدند. رسول خدا(ص) و جمعی از چهره های برجسته از آن دو بزرگوار عیادت کردند. پیامبر هنگام عیادت به امیرالمومنین(ع) فرمود: اگر به خاطر بهبود دو فرزندت نذری را بر عهده می گرفتی در شفای آنان بی اثر نبود آن حضرت و فاطمه زهرا(س) نذر کردند که اگر خدای مهربان آن دو را شفا دهد سه روز روزه بگیرند .
فضه خادمه هم به دنبال آن دو بزرگوار متعهد به روز روزه گرفتن شد.

حسن و حسین پس از آن نذر شفا یافتند و درحالی که خاندان طهارت پس از شروع روزه جهت افطار چیزی نداشتند، امیرالمومنین(ع) سه پیمانه جو از بازار قرض گرفت که در برابرش پارچه ای پشمین برای قرض دهنده بیافد، جو را به خانه آورد، حضرت زهرا(س) آن را آسیاب کرد و نان پخت و علی (ع) پس از نماز مغرب نان را جهت افطار بر سر سفره گذاشت که ناگهان مسکینی به آن مراجعه کرد و درخواست کمک نمود، همه اهل خانه نان خود را به او بخشیدند و با آب افطار کردند؛ شب دوم همه یتیمی طلب غذا کرد باز همه خانواده نان خود را به او دادند و شب سوم اسیری دق الباب کرد و این بار هم همه خانواده سهم خود را به او بخشیدند و جز با

آب افطار نکردند. روز چهارم در حالی که نذرشان را ادا کرده بودند، علی (ع) همراه دو فرزندش نزد پیامبر(ص) آمدند. چون پیامبر(ص) در حسن و حسین از شدت گرسنگی ضعف و ناتوانی دید گریست. در این وقت جبرئیل با سوره (هل اتی) به حضرت نازل شد. نتیجه وفای به عهد از طرف انسان این است که خدای مهربان هم به وعده هایش نسبت به نیت های صادقانه و عمل های مثبت و خلق و خوی پسندیده مومن که پاداش عظیم دنیایی و آخرتی است وفا کند، چنان که در قرآن مجید به این واقعیت خبر داده است:

و اوفوا بعهدی اوف بعهد کم (سوره بقره " آیه 40) به پیمان من (که فرمان ما و احکام و حال لو حرام من است) وفا کنید تا من هم به عهدی که نسبت به شما (در جهت "پاداش بخشی به شما) دارم وفا کنم.

هشام بن سالم می گوید به حضرت صادق (ع) گفتم: پسر پیامبر، مومن را چیست که وقتی دعا می کند چه بسا برای او مستجاب می شود و چه بسا مستجاب نمی شود در حالی که خدا فرموده: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. حضرت فرمود: هنگامی که عبد، خدا را در دعایش به نیت راستین و قلب مخلص بخواند دعایش پس از وفای به تعهداتش به خدا مستجاب می گردد و اگر خدا را بدون نیت راستین و بدون قلب مخلص بخواند دعایش مستجاب نمی شود. آیا خدا

نفرموده به عهده وفا کنید تا به عهده‌ی که به شما دارم وفا کنم؟ پس کسی که وفا کند نسبت به او وفا خواهد شد.

حضرت رضا(ع) از پدراناش از پیامبر خدا روایت می‌کنند که آن حضرت فرمود: کسی که با مردم معامله کند و به آنان ستم نرزد و سخن بگوید و به آنان دروغ نگوید و به آنان وعده دهد و خلف وعده نکند از کسانی است که مروتش کامل شده و عدالتش آشکار گشته، برادری اش واجب شده و غیبتش حرام است.

- بپرهیز از اینکه به مردم وعده بدهی و تخلف کنی... زیرا (تخلف از وعده) موجب خشم خدا و مردم خواهد شد، چنانکه قرآن می‌فرماید: «نزد خدا بسیار خشم آور است که بگوید چیزی را که به آن عمل نمی‌کنید»... « (نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه 53)
- اگر بین خود و دشمن پیمانی بستی و یا تعهد کردی که به او « پناه دهی، جامه وفا را بر عهد خود بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان خود را سپر تعهدات خویش قرار ده! زیرا هیچ يك از فرایض الهی مانند وفای به عهد و پیمان نیست که مردم جهان با تمام اختلافاتی که دارند نسبت به آن اینچنین اتفاق نظر داشته باشند و حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، چرا که عواقب پیمان شکنی را آزموده بودند. بنابراین، هرگز پیمان شکنی مکن و در عهد خود خیانت روا مدار و دشمن را فریب مده، زیرا غیر از شخص جاهل و شقی، کسی گستاخی بر خداوند را روا نمی‌دارد. خداوند عهد و پیمانی را که بنام او منعقد می‌شود با رحمت خود مایه آسایش بندگان و حریم امنی برایشان قرار داده تا به آن پناه برند... ».

(اصول کافی، چاپ اسلامی، ج 2 / ص 162، حدیث 15؛ بحار الانوار، چاپ بیروت، ج 72 / ص 92)

- چیزی را که از وفا کردن به آن عاجزی وعده مکن.» (فهرست غرر، ص 407، شماره 10177)
- چیزی را که یقین به وفای آن نداری وعده مده.» (فهرست غرر، ص 407، شماره 10297)
- کسی که عهد و پیمان خود را رعایت نکرد، به خدای سبحان «یقین نیاورده است.» (غررالحکم / ص 366)
- هیچ يك از فرائض الهی مانند وفای به عهد نیست که مردم به «همه خواسته های گوناگون و دیدگاه های مختلف، بیشتر بر آن اتفاق نظر داشته باشند.» (نامه 53 نهج البلاغه)
- بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی کند اعتماد «نکن» (غررالحکم / ص 324)
- همانا عهد و پیمانها گردن بندهایی هستند در گردن ها تا روز قیامت. کسی که پیوند آنها را نگه دارد (وفای به عهد کند)، خداوند او را به مقصود می رساند و کسی که آن عهد ها را بشکند، خداوند او را به خودش واگذارد.» (میزان الحکمه / ج 7 / ص 49)

امام صادق (ع):

- وعده ای که مؤمن به برادر دینی خود می دهد نوعی نذر «است که وفا کردن به آن لازم است جز اینکه کفاره ندارد و هر کس از وعده ای که داده است تخلف کند با خدا مخالفت کرده و خود را در معرض خشم پروردگار قرار داده و این همان است که قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟.»» (اصول کافی، ج 2 / ص 364، حدیث 1)
- مؤمن برادر مؤمن و مانند چشم و راهنمای اوست، به او «خیانت نمی کند و ستم روا نمی دارد و او را فریب نمی دهد و به او وعده ای نمی دهد که تخلف کند.» (اصول کافی، ج 2 / ص 166، حدیث 3)

- سه چیز است که خداوند به هیچ کس اجازه تخلف از آن را « نداده است: ادای امانت در مورد هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار، و وفای به عهد درباره هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار، و نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار.» (نهج البلاغه صبحی صالح، نامه 53)

امام رضا (ع):

- ما خاندانی هستیم که وعده‌های خود را قرضی بر گردن خود « می‌بینیم، چنان که رسول خدا (ص) چنین بود.» (بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۹۷)
- امام حسن (ع) می‌فرماید: انسان تا وعده نداده، آزاد است. اما وقتی وعده می‌دهد زیر بار مسئولیت می‌رود و تا به وعده‌اش عمل نکند رها نخواهد شد. (بحار الانوار، بیروت، ج 75، ص 113)

اگر کسی عهدشکنی کند باید بداند خودش پیش از دیگری آسیب می‌بیند و اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد و مردم به وی بی‌اعتماد می‌شوند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: هرگاه مردم پیمان شکنی کنند، خداوند دشمنان را بر آنها مسلط می‌کند. (بحار الانوار، ج 100، ص 45)

بلی من اوفی بعهده و اتقی فان الله یحب المتقین؛ آری هر کس به عهد خود وفا کند و تقوای الهی پیشه نماید در زمره متقین بوده و خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. (آل عمران، آیه 76)

پیامبران به هر عهده‌ای که می‌بستند و وعده‌ای که می‌دادند وفا می‌کردند حتی اگر این وعده و عهد را به دشمنان خود می‌دادند؛ چنانکه حضرت ابراهیم (ع) به عهد خود با آزر سرپرست و عموی بت‌پرست خویش عمل کرد. (توبه، آیه 114)

پیامبر (ص) بر این نکته تأکید داشته و می‌فرماید: سه چیز است که ترک آن برای هیچ کس جایز نیست: نیکی به پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر، وفای

به عهد با مسلمان یا کافر و ادای امانت به مسلمان یا کافر. (نهج الفصاحه، ص416، ح1264)

امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: هیچ یک از فرائض الهی همانند وفای به عهد نیست که مردم با همه خواسته‌های گوناگون و دیدگاه‌های مختلف، بیشتر بر آن اتفاق نظر داشته باشند. (نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه 53، ص442)

حضرت علی(ع) و نیز درباره نقش ایمان و یقین به خدا در انجام تعهدات می‌فرماید: ما ایقن بالله من لم یرع عهده و دمه؛ کسی که عهد و پیمان خود را رعایت نکرد، به خدای سبحان یقین نیاورده است. (غررالحکم، ص366)

براساس روایات هرکسی می‌خواهد خودش را به پیامبر(ص) و معصوم نزدیک کند باید صفات ایشان را داشته باشد. از مهمترین صفات که باید سرمشق رفتار مومن باشد وفای به عهد است. پیامبر(ص) می‌فرماید: نزدیک‌ترین شما به من در قیامت، راست‌گوترین، امانت‌دارترین، وفادارترین به عهد، خوش‌اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است. (امالی، طوسی، ص229؛ بحار الأنوار، بیروت، ج72، ص94، ح12)

عهد و پیمان

قال الله الحكيم : (اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم
(نحل : آیه 91)

به عهد خدا وفا کنید هنگامیکه عهد
بستید.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
: لا دين لمن لا عهد له (سفینه

البحار\2\294

دين ندارد هر کس به عهد و پیمان وفا نمی
کند.

شرح کوتاه :

خداوند در قرآن بسیار وعده ها داده

است و امر به وفاء به عهدها و پیمانها

نموده است .

آنکس که عهدي میکند باید به تعهد خود

عمل کند و پیمان شکن نباشد چه عهدش

به خدا و رسول باشد یا به خلق خدا،

تخلف از آن موجب طرد می شود و همانند

گردنبندی تا قیامت در گردنش می باشد،

خداوند هم دشمنانش را بر او مسلط می

کند حتی ، اگر طرف مقابل کافر و فاجر

هم باشد. نباید پیمان با او را شکست و

برنامه زندگی او را تخریب کرد.

1 - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و

ابوهیثم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یکی
از اصحاب خویش به نام ابوهیثم ابن تیهان
وعده داده بود که خادمی به او بدهد،
اتفاقاً سه نفر اسیر نزد حضرت آوردند.
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو نفر
از آنها را به دیگران بخشید و يك نفر باقی
ماند. در این هنگام حضرت زهراء علیه
السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و
سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا،
خادم و کمک کاری به من بدهید، آیا اثر
آسیاب دستی را در دستم مشاهده نمی

کنید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به
یاد وعده ای که به ابوهیثم داده بود افتاد
و فرمودند: چگونه دخترم را مقدم بر
ابوهیثم بدارم ، با اینکه قبلا به او وعده
داده بودم ، اگر چه دخترم با دست
ضعیفش آسیاب را می چرخاند. محجه

البيضا⁵\338

2 - هرمنان

در زمان ساسانیان هفت پادشاه صاحب
تاج بود که کسری بزرگترین آنها محسوب
می شد و او را ملك الملوك می گفتند. از
آن هفت پادشاه یکی هرمنان بود که در
اهواز حکومت می کرد. وقتی که مسلمین

اهواز را فتح کردند هرمنان را گرفته پیش
عمر آوردند.

عمر گفت : اگر واقعا امان خواهی ایمان
بیاور وگرنه ترا خواهم کشت هرمنان گفت
: حالا که مرا خواهی کشت دستور بده
قدری آب برایم بیاورند که سخت تشنه ام
؛ عمر امر کرد به او آب بدهند.

مقداری آب در کاسه چوبین آوردند.
هرمنان گفت : من از این ظرف آب نمی
خورم ، زیرا در کاسه های جواهر نشان
آب می خورم . امیرالمؤمنین علیه السلام
فرمود: این زیاد نیست ، برای او کاسه
شیشه ای و بلورین بیاورید.

چون درون آن آب کردند پیش او آوردند،
هرمزان آنرا گرفت و همچنان در دست
خود نگه داشت و لب به آن نمی گذاشت
.

عمر گفت : با خدا عهد و پیمان بستم که
تا این آب را نخوری ترا نکشم ؛ در این
هنگام هرمزان جام را بر زمین زد و شکست
، آجا از میان رفت . عمر از حيله او
تعجب نمود و رو به اميرالمؤمنين عليه
السلام کرد و گفت : اکنون چه بايد کرد؟
فرمود: چون قتل او را مشروط بنوشیدن
آب کرده ای و پیمان بستی ، ديگر او را
نمی توانی به قتل برسانی ، اما بر او جزيه :

مالیات از کفار را مقرر کن . هرمرزان گفت
: مالیات قبول نمی کنم ، اینک با خاطری
آسوده بدون ترس مسلمان می شوم .
شهادتین گفت و مسلمان شد.

عمر شادمان گردید، او را در پهلوی خود
نشاند، برایش خانه ای در مدینه تعیین نمود
و در هر سال ده هزار درهم برایش معین
کرد(\پندتاریخ2\42

3 - پیمان حلف الفضول

بیست سال قبل از بعثت پیامبر صلی الله
علیه و آله ، درست در دورانی که پیامبر
صلی الله علیه و آله بیست سال داشتند
اتفاقی از این قرار افتاد: روزی مردی از

قبيله (بنی زبید) كالايي به عاص بن وائل
فروخت .

عاص كالآ را تحويل گرفته بود ولی بهای آن
را نمی داد. آن مرد به ناچار بالای کوه
ابوقبیس رفت و فریاد برآورد: ای مردان
به داد ستمدیده ای دور از طایفه و کسان
خویش برسید، همانا احترام شایسته کسی
است که خود در بزرگواری تمام باشد و
فریبکار را احترامی نیست .

مردانی که در کنار کعبه بودند از این سخن
تحريك شدند و جمعی از قبایل در خانه
عبدالله بن جدعان جمع شدند و پیمان

بستند برای یاری ستمدیده همدست باشند
و اجازه ندهند که در مکه بر کسی ستم
شود

پیامبر صلی الله علیه و آله هم در این پیمان
شرکت داشت ؛ بعد حرکت کردند و پول
آن مرد را به او بازگردانیدند.
بعدها که رسول خدا صلی الله علیه و آله
به پیامبری مبعوث شد می فرمود: در خانه
عبدالله بن جدعان در پیمانی حضور داشتم
که اگر در اسلام هم به مانند آن دعوت
می شدم ، می پذیرفتم ، و به اسلام جز

استحکام چیزی بر آن نیفزوده است

(پیغمبر و یاران 334)

4 - انس بن نضر

انس بن نضر عموی انس بن مالک خادم
پیامبر صلی الله علیه و آله بود. او چون در
جنگ بدر حاضر نبود به پیامبر صلی الله
علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله صلی
الله علیه و آله در جنگی که برای شما پیش
آمد من نبودم ، اگر دیگر بار جنگی پیش
آید عهد می کنم در آن شرکت کنم .!
چون جنگ احد پیش آمد حاضر شد، و
پس از آنکه در میان مسلمین شایع شد که
پیامبر صلی الله علیه و آله کشته شد،

بعضی گفتند: کاش نماینده ای داشتیم و
نزد رئیس منافقان عبدالله ابن ابی می
فرستادیم تا برای ما از ابوسفیان امان
بگیرد.

برخی دیگر دور نشسته و دست روی
دست نهادند تا چه پیش آید. عده ای
دیگر گفتند: حال که محمد صلی الله علیه
و آله کشته شد به دین سابقتان برگردید.
اانس بن نضر می گفت : خدایا از آنچه
این جمعیت پیشنهاد می کنند بیزاری می
جویم . بعد گفت : اگر محمد صلی الله علیه
و آله کشته شده خدای محمد صلی الله
علیه و آله زنده است ، بعد از پیامبر صلی

الله علیه و آله زندگی برای چیست ؟ جنگ
کنید برای همان مقصودیکه رسول خدا می
جنگید!

سپس شمشیرش را کشید و با دشمنان طبق
عهدی که کرده بود جنگید تا شهید شد.
پس از شهادت حدود هشتاد زخم و
جراحت و جای تیر و نیزه بر بدنش بود.
آنقدر جراحاتش زیاد بود که هنگامی که
خواهرش ربیع بر بالین برادر آمد بوسیله سر
انگشتان او را شناخت (491).

فضیل بن زید رقاشی از افسران اسلام با
سربازان خود قلعه ای به نام (سهریاج) در
فارس را محاصره و تصمیم داشتند آنرا فتح

کنند که پس از چند ساعت زد و خورد
برای استراحت به لشکرگاه خود بازگشتند.
در آن زمان بردگانی که به اسارت
مسلمانان در می آمدند، خرید و فروش
می شدند. چون مسلمان بودند به تملك
کسی در نمی آمدند و با برادران مسلمان
خود علیه دشمن می جنگیدند.
در آن روز يك سرباز که برده بود. از
سربازان عقب ماند و دشمن از بالای برج
با زبان محلی با او سخن گفت و از او امان
خواست. و او هم امان داد. هنگامی که
سربازان اسلام به طرف قلعه حرکت نمودند
دشمن درب قلعه را گشود، مسلمانان

تعجب کردند. دشمن امان نامه سرباز برده
ای را روی دست گرفته و نشان داد.
پذیرفتن امان از يك نفر سرباز امری غیر
عادی بود.

ناچار موضوع را به مدینه مرکز خلافت
خلیفه دوم گزارش دادند. خلیفه نوشت :
مسلمان برده نیز از مسلمین است و
تعهدات او مانند تعهدات شما محترم است ،
باید امان نامه او را محترم شمارید و آنرا نافذ
بدانید)(داستانهای ما 111/1

در اینجا به طور اختصار به برخی از وظایفی که مردان نسبت به زنان از لحاظ حقوقی و اخلاقی دارند می‌پردازیم:

تامین نیازهای خانواده بعهده مرد است

وقتی مردی با زنی ازدواج می‌کند موظف است ،همه نیازهای زنش را تامین کند که شامل مخارج خورد و خوراک و لباس و مسکن و دارو و درمان است. ونباید دراین کار مسامحه کند.

بعضی از مردها با اینکه وضعشان خوب است ولی نسبت به خانواده سخت گیری می کنند.خانمی

می گفت شوهرم بازاری است ولی حاضر نیست
هزینه ترمیم دندانهایم را بدهد!

مرد باید با مدیریت صحیح نگذارد خیلی برای
خانواده مشکل مالی درست شود مخصوصا اگر
دارا و متمکن است بخل نورزد.

خدا می فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّ». (نساء، آیه 25).

یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت
مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش
سختگیری کند.

وباز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که
خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را
توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته
شود..

امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در
خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند.

وامام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج
اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند.^۱
مسند امام رضا ع 2/208

بعضی مردها زن خود را رها می کنند و می
گذارند و می روند و هیچ خبری از آنها نیست
و گاهی سالیان سال هیچ اطلاعی از آنها نیست. اینها

گناه بزرگی به گردنشان می باشد. باید حداقل
تکلیف زن را مشخص کنند.

شوهر با همسرش خوب رفتار کند

خدا می فرماید: «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». (سوره نساء،
آیه 19) یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید .

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در
خدمات خانه واستحباب وسعت در خردنی
و آشامیدن ومسکن ولباس و دادن هدایای خوب
دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت

خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی
خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان
اگر چند همسری باشد و ... می شود .

در روایت است که خدا رحمت می فرستد بر
مردی که با زنش خوب برخورد کند

وباز در روایت است هر مردی که با خانواده خود
خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند

و در روایت است مردی که به زنش نیکی می کند
کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است.⁽⁶⁾

رسول اکرم (ص) فرمود: برادرم جبرئیل در باره حقوق
زنان به من خبر داد آنقدر در باره زنان سفارش کرد که
من گمان کردم که جایز نیست برای مرد که به همسرش
حتی اُفّ و سخنی لطیف تر از گل بگوید، بعد گفت: ای
محمّد، در مورد زنان از خداوند بزرگ بترسید، زنان
گرفتار در دست شمایند و آن ها امانت های الهی هستند که

شما آنان را به همسری گرفته‌اید و به سبب سخن و کتاب خداوند و سنت و شریعت پیامبر، به شما حلال شده‌اند، حقوق واجب بر عهده شما دارند، بنابراین با آن‌ها با مهربانی رفتار کنید و دل‌هایشان را خوشحال کنید تا آن‌ها هم با شما خوب زندگی کنند، در زندگی به آن‌ها سخن «(زور نگویند و اذیت و غضبناکشان نکنید.)

بدترین شوهر!

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله

شَرُّ النَّاسِ الضَّيِّقُ عَلَى أَهْلِهِ، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ ۖ وَ كَيْفَ يَكُونُ ضَيِّقًا عَلَى أَهْلِهِ قَالَ: الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ خَشَعَتْ أَمْرَأَتُهُ وَ هَرَبَ وَلَدُهُ وَ قَرَّ فَإِذَا خَرَجَ ضَحِكَتِ أَمْرَأَتُهُ وَ اسْتَأْنَسَ أَهْلُ بَيْتِهِ؛

بدترین مردم کسی است که بر خانواده اش سخت گیر باشد.

گفتند ای رسول خدا! سخت گیری بر خانواده چگونه است؟

فرمودند:

مرد وقتی وارد خانه شود، همسرش از اوهراسان و فرزندان از او گریزان شده، فرار کنند و چون بیرون رود همسرش شاد گردد و خانواده اش با یکدیگر انس گیرند.

[مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۸، ص ۲۵]

محبت کردن به همسر هم جزو وظایف زوجین
می باشد. اساس ازدواج بر مبنای محبت است که فرمود و جعل بینکم موده و رحمه.

زندگی سرد و بدون محبت نه تنها فایده ای ندارد بلکه باعث مشکلات روحی برای زن و شوهر و فرزندان آنان می باشد.

محبت کردن به همسر سفارش دین است و دارای ثواب و پاداش. از جمله نشستن مرد در کنار همسرش و برعکس آن از اعتکاف یک هفته در مسجد النبی بالاتر است.

باید محبت، این نعمت خدادادی، به زبان آورده شود. مرد باید محبت خود را به زبان بیاورد. اگر همسری از ناحیه شوهرش احساس

کمیود محبت نماید برای محبت کردن به
فرزندانش و حتی انجام امور منزل انگیزه ای
نخواهد داشت. با سخنی محبت آمیز می
توان کانون خانواده را گرم کرد.

هدیه دادن-کارهایی که به نوعی بیان محبت
به شمار می رود در تقویت محبت آثار
بسیاری دارد. از جمله این کارها می توان به
هدیه دادن اشاره کرد.

در دستورات اسلامی است که مرد به هنگام
ورود به منزل و به ویژه در هنگام بازگشت از
سفر هدیه ای به خانه ببرد و خانم هم در
منزل خود را برای شوهرش آماده و حتی
آرایش کند.

امام صادق (ع) درباره نحوه ابراز علاقه زن به
شوهرش می فرمایند:

لاغنی بالزوجة فیما بینها و بین زوجها «
الموافق لها عن ثلاث خصال: و هنّ...و إظهار
العشق له بالخلاصة و الهيئة الحسنة لها فی
عینه؛[5] زن در روابط خود و شوهر همدلش از
سه چیز بی نیاز نیست، که عبارتند از:... و
ابراز علاقه به شوهر با دلربایی و حاضر شدن
»با ظاهری زیبا در مقابل دیدگان او

5- بحار الانوار ، ج 75 ، ص 237

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

: می فرمایند

إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشَرَةً حَمِيلَةً وَ سَعَةً يَتَقَدَّرُ وَ غَيْرَةً يَتَحَصَّنُ؛

مرد در خانه و نسبت به خانواده اش
نیازمند رعایت سه صفت است هر چند
:در طبیعت او نباشد

خوشرفتاری، گشاده دستی به اندازه ،
غیرتی همراه با خویشتن داری

.تحف العقول ، ص ۳۲۲

**گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید
محترمانه باشد**

زن و شوهر باید مراعات یکدیگر را کرده وبا
ادبیات نرم با یکدیگر سخن بگویند و بهم پرخاش
نکنند و حرمت هم را حفظ نمایند.

مردانی که عصبی هستند و زودرنج می باشند از
زندگی لذتی نمی برند و همسر آنها از او در عذاب
است!

همچنین زنانی که بداخلاق و زبان دراز و عصبی
هستند کاری می کنند که شوهر از منزل
فراری می شود.

باید هر دو در مقابل هم آراسته ظاهر شوند

همانطور که زن باید خود را درمقابل شوهر
بیاراید و آراسته باشد، مرد هم وظیفه دارد درمقابل
زنش، آراسته باشد. لذا بزرگان دین ما همیشه
خود را خوشبو می نمودند بطوری که یک سوم
درآمد پیامبر اسلام ص خرج عطر می شد.

حسن بن جهم می گوید: امام رضا علیه السلام را
دیدم که محاسن خود را خضاب (رنگ) کرده بود.
پرسیدم: فدایت شوم، رنگ کرده اید؟! امام پاسخ
داد: آری، رسیدگی به خود (تغییر شکل و هیئت
دادن) از عوامل افزایش عفت زنان است، و یکی
از علل بی عفتی زنان این است که همسرانشان این
امر را رها کرده اند، آنگاه امام فرمود: آیا دوست
داری همسرت را به گونه ای ببینی که وضعیتش
همانند تو باشد، در حالتی که به سر و وضع خود
نرسیده ای؟!!

او جواب داد: خیر، حضرت فرمود: همسر تو هم دوست ندارد که تو را بدان گونه ببیند

وظایف زنان نسبت به شوهران:

1- اطاعت از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود. زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می شود. و در این خانه ها، فرزندان خوبی تربیت نمی شوند

ای حولاء! هرزنی که نمازش را بخواند و خانه دار باشد و از شویش اطاعت نماید، خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد.

ای حولاء! زن نباید از شوهر کاری فوق
طاقتش بخواهد و نباید شکایت او را به بیگانه
و خودی ببرد.

ای حولاء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث
کرد، هر زنی که بدون اجازه شوهرش از خانه
بیرون رود در عروسی شرکت نماید، براو
لعنت نازل شود و برای هر قدمش، چهل معصیت
نویسند...

ای حولاء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری
مبعوث کرد، اگر زنی بدون اجازه شوهر خود
در خارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر
صورتش می زنند...

ای حولاء! هر زنی که غیر روزه رمضان بدون
اجازه شوهر روزه بگیرد، از گناهکاران است.

ای حواء! اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه
بدهد، برای زن گناه و برای شوهر ثواب می
نویسند.

ای حواء! خلیفه خدا بر زن، شوهرش (شوهر
مؤمن) است. پس اگر شوهر از او راضی
باشد، خداهم از او راضی است و اگر
ناراحت باشد، خداهم از او خشمگین می شود.

2- تمکین

هر زمان شوهر به همسر نیاز داشت ممانعت
نکند.

«خانمی به زن دیگری گفته بود. ما زنهای
فلان محل زیاد به شوهرمان رو
نمی دهیم! یعنی در بسیاری از مواقع که
شوهر نیاز به زن دارد، زن به بهانه ای از

این امر دوری می‌نماید و این یکی از علل چشم‌چرانی‌مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده‌اند لذا در خارج از منزل گرسنه و حریص می‌شوند!»

رسول خدا (ص): هر زنیکه شوهر او را برای نیازش صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود

3- با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود.

«مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت:
ای رسول خدا! همسری دارم که چون به خانه می‌روم به پیشبازم می‌آید و هنگام خارج شدن، بدرقه‌ام می‌کند. اگر مرا ناراحت ببیند می‌گوید: ناراحت نباش! که اگر غم‌روزی را

می خوری، خدا روزی رسان است. و اگر غم
آخرت داری، خدا غمهایت را زیاد کند!

«پیامبر (ص) فرمود:» به او بشارت بهشت بده! و
به او بگو که توییکی از عاملان خدایی که در
هر روز، پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد
بود.»

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن
به شوهرش پرسید. حضرت فرمود: «وقتی زن
در خانه کار می کند و مثلاً وسیله ای را از
جایی برمی دارد و در جای دیگر می گذارد، در
این حال خداوند به او نظر می کند. و هر که
خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی کند.»
و فرمود:

«هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خدا همه گناهان او را محو می کند و حسناتش را مضاعف می نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر بار که کودکش را شیر می دهد، مثل این است که بنده ای در راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.»

زن باید از هنگام عقد دیگه فقط به شوهرش فکر کنه و
دامن پاکش رو حفظ کنه و روابط نادرست نداشته
باشه. دوستی با نامحرم نداشته باشه. شوخی با نامحرم
نداشته باشه. ارتباط پیامکی با نامحرم نداشته باشه چون
این از گناهان خیلی بزرگ است و خیانت حساب می
شود. و شکر خدا زنان ایرانی اکثراً اینگونه هستند .

داستان سعید و ثعلبه

شیشه ی عطر و درپوش آن :

تا زمانی که سر شیشه «عطر» بسته است، عطر
داخل آن هم محفوظ خواهد بود، ولی به محض
اینکه چند لحظه ای سر شیشه ی عطر برداشته
شود، عطر داخل آن می پرد و تنها شیشه ی خالی
بدون عطر می ماند که کسی بدان میلی ندارد.
حجاب همانند سر شیشه ی عطر است که بوی
خوش و زیبایی و حلاوت و طراوت زنهارا حفظ
می کند و با برداشتن حجاب، آن زیبایی و حلاوت
از بین می رود.

دیوار و سیم خاردار:

شما چرا به دور خانه هایتان دیوار می کشید و گاهاً

بر روی دیوارها سیم خاردار نصب می کنید؟ اگر درهای خانه تان چوبی باشد، چرا آهنی می کنید و اگر دیوارها کوتاه باشد چرا بلند می کنید؟ آیا این همه برای راحتی شماست یا برای ناراحتی؟ حجاب همچون دیوار خانه و همچون سیم خاردار است، حال اگر دیوار خانه هایتان بلند بود و کوتاه کردید، یا سیم خاردار داشت برداشتید، یا در منزل، بسته بود و باز کردید، این موجب راحتی، آرامش و آسایش شما خواهد بود یا موجب ناآرامی؟ اگر درها، دیوارها و... برای راحتی خانه ها باشد، حجاب هم برای راحتی و آسودگی بانوان است.

میوه ی پوست کنده:

تا میوه ای پوست بر تن دارد، مدت های زیادی دوام خواهد داشت، ولی وقتی پوست میوه ای گرفته شد، بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت و حتی بی احترامی به مهمان است که قبلاً میوه ای مثلاً «سیب» را پوست بکنند بعد در مقابل مهمان بگذارند. حجاب همانند پوست میوه است که حافظ تازگی و سلامت میوه است و تا زمانی که زن ها این «حجاب» و «عفت» را دارند، از طراوت و زیبایی و تازگی و سلامت بهره مندند، ولی برداشتن حجاب همان و از بین رفتن سلامت و زیبایی همان.

غنچه و گل:

گل تا باز نشده است، معطر و سالم است و کسی هوس چیدن آن را نمی کند اما وقتی که باز شد و غنچه گردید، عطر خود را از دست می دهد و... زن تا زمانی که در «غنچه حجاب» است، هیچ کس هوس چیدن آن را نمی کند. اما همین که حجاب کنار رفت و این غنچه باز شد، آن را خواهند چید و پس از آن که پژمرده و پریز شده به کناری خواهند افکند

5- **خوب شوهر داری:**

خوب شوهر داری یک هنر است و نیاز به ذوق و سلیقه و مهارت های خاص دارد. سعادت یا شقاوت «خانواده» در دست «زن» است.

زن اگر به فن خوب شوهرداری آشنا باشد، می تواند با انجام وظایفی که خداوند بر عهده ی او مقرر فرموده، خانه را به صورت «بهشت برین» درآورد و از شوهر و فرزندان خود، افرادی لایق، پویا، خلاق و آبرومند بسازد و خانه را محل آسایش و فضیلت و خوشبختی قرار دهد.

شوهرداری در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد و در همین رابطه امام علی (ع) می فرماید: (جهاد زن خوب شوهرداری است.) (3)

ناپلئون درباره ي جایگاه زنان و نقش آنان در
فرهنگ و تمدن اجتماع مي گوید
اگر مي خواهید تمدن و پیشرفت ملتي را بدانید، «
(به زنان آن ملت بنگرید.» 4)

6- استقبال گرم از شوهر:

يکي از سنت هاي بسيار نيکوي مسلمانان اين است
که هرگاه به يکديگر مي رسند، «سلام» مي کنند،
زيرا سلام کردن ايجاد انس، الفت و محبت مي کند،
کينه ها و کدورت ها را مي زداید. بنابراین دو
زوجي که نیاز به صداقت و صمیمیت بیشتری
دارند، این دستور الهی را بیشتر باید رعایت نمایند
چه نیکوست که هرگاه شوهر وارد منزل مي شود،
زن با چهره اي شاد و خندان و ظاهري آراسته و
زیبا به پیشواز همسرش رود، در را به روي او
بگشاید، به او سلام کند و بهتر آن است که در سلام
کردن، هر یک بر دیگری سبقت بگیرند
:خداوند در قرآن کریم مي فرماید
هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از «
آن
بدهید؛ يا (لااقل) به همان گونه پاسخ گوئید. خداوند
(حساب همه چیز را دارد.» 9)

و در جاي ديگر مي فرمايند
اهل بهشت يکديگر را با سلام کردن خوش آمد «
(گويند. 10)

بنابر اين زن فهميم و مهربان پس از استقبال گرم از
شوهر، با نهايت شور و شوق، زمينه ي استراحت
و آرامش را براي او فراهم مي نمايد و تا حدود 90
دقيقه بعد از ورود شوهرش به منزل، هيچ حرف
ناخوشايندي به او نمي زند

7-تهيه ي غذاي مناسب:

خانم هنرمند و کدبانو سعي مي کند جهت رضامندي
و خوشايندي شوهر، غذاهايي را که مي پزد از يک
نوع نباشد و تنوع در آن رعايت شود و غذاي مورد
علاقه ي شوهر را تا حدود امکان تهيه نمايد

:امام صادق (ع) مي فرمايند
بهترين زنان شما (مسلمين) زني است که خوشبو «
(و خوش دستپخت باشد. 11)

و چه زيبا و بجاست که شوهر از آشپزي و
دستپخت همسر - خصوصاً در نزد فرزندان - تقدير
و تشکر نمايد. اين کار فايده ي بسيار مهم دارد؛
اولاً: زن احساس خوشحالي و شادماني مي کند که
همسرش او و هنرش را دوست دارد و زحمات
فراوان او را ارج مي نهد و تمام سعي و تلاش خود

را جهت رضایت و خشنودی شوهر به کار خواهد بست. دوماً: فرزندان شیوه ی تقدیر و تشکر و احترام به مادر را عملاً از پدر یاد می گیرند.

8-زینت و آرایش برای شوهر:

از هنرها و وظایف یک زن شایسته این است که در قلمرو خانواده، با حفظ ارزش ها و توجه به وضعیت شناختی و روانی بچه ها، به خصوص نوجوانان، همواره سعی کند در حد توان و رعایت حدود و حرمتها، از آراسته ترین، زیباترین و جذاب ترین لباسها، زینت ها و آرایش ها برای همسر خود بهره گیرد، چرا که همسر ایشان به این جذابیت ها نیاز دارد.

باید توجه داشته باشیم که هر گونه خود آرایي، خودنمایی و خود عرضه کردن برای نامحرمان، حرام، و آراستگی و آرایش همسر برای همسر مستوجب ثواب است.

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند:

زن باید خودش را برای شوهر به خوشبوترین ...»
عطرها معطر کند، و زیباترین لباسهایش را بپوشد،
و به نیکوترین آرایش، برای شوهرش آرایش نماید،
و پیوسته خودش را بر شوهر عرضه کند و...».

((12))

در اسلام به آرایش و عطر زدن و استفاده از

بوهای خوش و وسایل
زیبایی برای شوهر و محارم یا در منزل و یا
در حالت عبادت و نیایش با پروردگار سفارش شده
و نوعی عبادت است. آنچه نهی شده، استفاده از
عطر و آرایش برای نامحرمان یا در روابط
اجتماعی است که عامل فساد می شود و حرام
است.

حضرت زهرا (ع) گرانبهاترین عطری را که در
اختیار داشتند، فقط برای شوهر گرامی خود و
لحظات مناجات و راز و نیاز با پروردگار حق
(تعالی استفاده می نمودند. (13)

با کمال تأسف در جامعه ی ما در بسیاری از موارد
شاهد هستیم که زنان و مردان، بهترین پوشش و
آرایش و زینت ها را برای عروسی ها، میهمانی ها
و مجالس خارج از خانه استفاده می کنند و نازل
!!ترین آنها را در کانون خانواده برای همسر
ای کاش همه ی زینت ها، آرایش ها و دلربایی های
خانمها، مطابق نظر اسلام فقط و فقط برای همسر
بود، چرا که آن وقت دیگر شاهد این همه دعوایها،
کشمکش ها، جدال ها و فتنه ها نبودیم
در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار نقل شده
بود:

در یکی از شهرستان ها، مردی که به مهمانی «
رفته بود، بعد از خوردن ناهار، که صاحبخانه

برای کاری از منزل خارج شده بود، ضمن عمل
منافی عفت با همسر میزبان، او را به قتل می
رساند بعد از دستگیری از قاتل می پرسند: چرا این
جنایت را انجام دادی؟ در جواب گفت: من شب
گذشته در مجلس عروسی، این زن را مشاهده کردم
که - با
وضعیت خاصی آرایش کرده بود و مشغول
رقصیدن بود- و... دیگر نتوانستم خود را کنترل کنم
(و در نتیجه چنین تصمیمی گرفتم.)» (14)

- بحار الانوار، ج 3، ص 252-3.
آیین همسر داری، حضرت آیت الله ابراهیم امینی، ص 26-4.
بحار الانوار، ج 103، ص 244، ح 15-5.
بحار الانوار، ج 103، ص 252، ح 55-6.
سفینه البحار، ج 1، ص 561-7.
جهت عبرت گرفتن می توانید به مجموعه ماجراهای -8
واقعی از سرگذشت برخی از زوج های جوان، در کتاب
«کرشمه های شیطانی» از همین مؤلف مراجعه نمایید.
سوره نساء، آیه 86-9.
سوره ابراهیم، آیه 23-10.
وسائل الشیعه، ج 14، ص 15-11.
وسائل الشیعه، ج 14، ص 212، ح 2-12.
نهج الحیاه، (فرهنگ سخنان حضرت زهرا سلام الله -13
علیها)، محمد دشتی، ص 182

نقل از کتاب «کرشمه های شیطانی»، ص 127، از -14
همین مؤلف